

گل‌های معرفت

نه شاعر، نی ادیب، نی مولف، نی سخنران — بسیط ساده مردی ازازل مشتاق عرفانم
منم اهل تصوف دوست دارم مشرب صوفی — بود نامم عزیزو عاشق رویای انسانم



عزیز حیدری

پیشگفتار: گل‌های معرفت عنوان بامسمی‌ئی درمورد داستانها و حکایات و روایات مردمی ایست که طی قرون متمادی از زبانی به خامه‌ئی نقل و در افکار انسانهای جامعه باستان و بصورت مستمر خطور نموده است.

میرهن است که هر جامعه‌ئی و هر مردمی مشبوع از چنین قصه‌ها و گفته‌ها بوده و این ارمغان از نسلی به نسلی به میراث مانده است.

باتوجیه این جمله: که در هر شوخی‌ئی بخشی از واقعیت‌ها نهفته است. اند شیدم چکیده‌ها را در مجموعه‌ئی گرد آورده تا باشد چشم اندازان این سطور بزعم خویش از آن اندوخته‌هائی رادر یابند و چه در غیر آن با سپری شدن ایام و این تراوشها از صفحات خاطره‌ها زدوده شده و چیزی از گفته‌های مردمی به یادگار نخواهد ماند. هر چند این گرد آورده‌ها مکمل نبوده چه از نظر محتوا و چه از لحاظ املا و انشاعاری از کاستیها و کمبودها نباشد اما آنچه اهمیت دارد آنست که رقم زده ام احساس دورنی ام بوده که با سادگی قلمم منقوش گردیده است طوری که در صدر هم تذکر داده ام شاعر نیستم

وبه نویسنده گی هم ید طولانی ندارم و فرهیخته هم نمی باشم و باور کامل دارم که دوستان و اهل خبره با مشوره های نیک و سودمند شان این مجموعه را غنا بخشیده و به اخلاف اهدا خواهند نمود .
قابل یادآور یست که جناب محترم عزیز جان جرائت مدیر مسول و گرداننده سایت انتر نیتی آریائی با وجود سایر مصروفیت های وظیفوی که دارند صفحه دیگری را **بنام گلهای معرفت** برای شما دوستان و علاقمندان علم و فرهنگ در جنب مطالب جالب و خواندنی خویش اضافه نموده که من هم از زحمت کشی ایشان خصوصاً **در ترتیب و تنظیم صفحه فولکلور های کابل زمین**، و حکایات هفت سلطان از موصوف اظهار سپاس و قدردانی نموده سعادت و کامگاری همیشگی را در امور وظایف روزمره شان از بارگاه ایزدمتعال خواهانم.



به هر صورت! حکایات و یا قصه های تصوفی را که در بعضی محافل دوستان از زبان بزرگان و یا اشخاص با معلومات شنیدم میخوام که تا شمه آنرا بشما دوستان نقل قول کنم و امیدوارم که مورد علاقه تان قرار گیرد .

AzizHaidari@hotmail.com